



فقه و اخلاق اسلامی

مقایسه‌ای علم‌شناختی

مهدی احمدپور

www.ketab.ir



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



فقه و اخلاق اسلامی

مقایسه‌ای علم‌شناختی

مهدی احمدپور

• ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

- تهیه: مرکز اخلاق و تربیت
- سرویراستار: محمدباقر انصاری
- ویراستار: عباس جباری مقدم
- چاپ: چاپخانه مؤسسه بوستار، کتاب
- چاپ اول: بهار ۱۳۹۰
- شمارگان: ۱۴۰۰
- قیمت: ۶۰۰۰ تومان
- عنوان: ۲۴۲؛ مسلسل: ۳۹۳

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه آمار، پلاک ۴۲

تلفن و دورنگار: ۷۸۲۲۸۲۳؛ ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۸۵۸؛ کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۱

مراکز پخش: ۱. قم، میدان شهداء، تلفن و دورنگار ۷۸۲۲۸۲۴

۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب دانشگاه تهران، استان تهران

طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن: ۶۶۹۵۱۵۳۴

وب سایت: www.pub.isca.ac.ir؛ پست الکترونیک: nashr@isca.ac.ir

مرشناسه:	احمدپور؛ مهدی، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور:	فقه و اخلاق اسلامی: مقایسه‌ای علم‌شناختی / مهدی احمدپور؛ تهیه مرکز اخلاق و تربیت
مشخصات نشر:	قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری:	۲۰۸ ص
شابک:	۹۷۸-۶۰۰۰۰-۱۹۵-۱۰۸-۴
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص [۱۸۹]-[۲۰۲]؛ همچنین به صورت زیرنویس
یادداشت:	نمایه
موضوع:	اخلاق اسلامی
موضوع:	فقه
موضوع:	اخلاق
شناسه افزوده:	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. مرکز اخلاق و تربیت
رده‌بندی کنگره:	BP ۲۴۷/۸-الف۲۶۲-ص۷ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۶۱
شماره کتابشناسی ملی:	۳۱۰۹۶۷۸



فهرست

۱۱	سخنی با خواننده
۱۷	پیشگفتار
۲۱	مقدمه
۲۱	گفتار اول: مفهوم شناسی علوم فقه
۲۳	گفتار دوم: مفهوم شناسی اصطلاحات فقه
۲۵	گفتار سوم: مفهوم شناسی لغوی اخلاق
۲۶	گفتار چهارم: مفهوم شناسی اصطلاحی اخلاق
۲۹	گفتار پنجم: مفهوم شناسی کلیدواژه‌های پژوهش

فصل اول: گزاره‌های فقهی و اخلاقی

۳۳	مبحث اول: گزاره‌های فقهی
۳۳	گفتار اول: موضوع گزاره‌های فقهی
۳۶	گفتار دوم: محمول گزاره‌های فقهی
۳۸	گفتار سوم: مسئله فقهی
۴۳	مبحث دوم: گزاره‌های اخلاقی
۴۳	گفتار اول: موضوع گزاره‌های اخلاقی

۴۵	گفتار دوم: محمول گزاره‌های اخلاقی
۴۷	گفتار سوم: مسئله اخلاقی
۵۰	مبحث سوم: مقایسه گزاره‌های فقهی و اخلاقی
۵۰	گفتار اول: شباهت‌ها
۵۰	الف) در ناحیه موضوعات
۵۰	ب) در ناحیه محمولات
۵۱	ج) در ناحیه مسائل
۵۲	گفتار دوم: تفاوت‌ها
۵۲	الف) در ناحیه موضوعات
۵۳	ب) در ناحیه محمولات
۵۳	ج) در ناحیه مسائل

فصل دوم: مبانی فقه و اخلاق

۵۹	مبحث اول: مبانی علم فقه
۵۹	گفتار اول: مبانی معرفت‌شناختی علم فقه
۶۰	الف) ابزار معرفت
۶۲	ب) منابع معرفت
۶۳	ج) طرق معرفت
۶۵	گفتار دوم: مبانی دین‌شناختی علم فقه
۶۷	گفتار سوم: مبانی خداشناختی علم فقه
۷۲	گفتار چهارم: مبانی انسان‌شناختی علم فقه
۷۴	گفتار پنجم: مبانی هستی‌شناختی علم فقه
۷۵	مبحث دوم: مبانی علم اخلاق
۷۵	گفتار اول: مبانی معرفت‌شناختی علم اخلاق

گفتار دوم: مبانی دین‌شناختی علم اخلاق	۷۷
گفتار سوم: مبانی خداشناختی علم اخلاق	۷۹
گفتار چهارم: مبانی انسان‌شناختی علم اخلاق	۸۲
گفتار پنجم: مبانی هستی‌شناختی علم اخلاق	۸۵
مبحث سوم: مقایسه مبانی فقه و اخلاق	۸۸
گفتار اول: شباهت‌ها	۸۸
الف) از حیث مبانی معرفت‌شناختی	۸۸
ب) از حیث مبانی دین‌شناختی	۸۹
ج) از حیث مبانی خداشناختی	۹۰
د) از حیث مبانی انسان‌شناختی	۹۰
ه) از حیث مبانی هستی‌شناختی	۹۰
گفتار دوم: تفاوت‌ها	۹۰
الف) از نظر مبانی معرفت‌شناختی	۹۰
ب) از نظر مبانی دین‌شناختی	۹۱
ج) از نظر مبانی خداشناختی	۹۱
د) از حیث مبانی انسان‌شناختی	۹۱
ه) از نظر مبانی هستی‌شناختی	۹۲

فصل سوم: منابع فقه و اخلاق

مبحث اول: منابع فقه	۹۳
گفتار اول: تعداد منابع فقهی	۹۴
الف) کتاب	۹۴
ب) سنت	۹۶
ج) عقل	۹۸

- گفتار دوم: ویژگی‌های منابع فقهی ۱۰۰
- الف) ویژگی‌های عمومی منابع فقهی: ۱۰۰
- ب) ویژگی‌های اختصاصی منابع فقهی ۱۰۱
- گفتار سوم: روابط منابع فقهی ۱۰۲
- الف) رابطه نقل با نقل ۱۰۳
- ب) رابطه عقل با نقل ۱۰۴
- مبحث دوم: منابع اخلاق ۱۰۷
- گفتار اول: تعداد منابع اخلاقی ۱۰۷
- گفتار دوم: ویژگی‌های منابع اخلاقی ۱۰۸
- الف) کتاب ۱۰۸
- ب) سنن ۱۱۰
- ج) عقل ۱۱۰
- د) شهود ۱۱۲
- گفتار سوم: روابط منابع اخلاقی ۱۱۳
- الف) رابطه نقل با نقل ۱۱۳
- ب) رابطه عقل با نقل ۱۱۴
- ج) رابطه شهود با عقل و نقل ۱۱۵
- مبحث سوم: مقایسه منابع فقه و اخلاق ۱۱۷
- گفتار اول: شباهت‌ها ۱۱۷
- گفتار دوم: تفاوت‌ها ۱۱۸

فصل چهارم: روش‌های فقه و اخلاق

- مبحث اول: روش فقه ۱۲۱
- مبحث دوم: روش اخلاق ۱۲۸

۱۳۱	مبحث سوم: مقایسه روش‌های فقه و اخلاق
۱۳۱	گفتار اول: شباهت‌ها
۱۳۲	گفتار دوم: تفاوت‌ها

فصل پنجم: اهداف فقه و اخلاق

۱۳۷	مبحث اول: اهداف فقه
۱۴۰	مبحث دوم: اهداف اخلاق
۱۴۵	مبحث سوم: مقایسه اهداف فقه و اخلاق
۱۴۵	گفتار اول: شباهت‌ها
۱۴۶	گفتار دوم: تفاوت‌ها

فصل ششم: جایگاه فقه و اخلاق

۱۵۰	مبحث اول: جایگاه فقه
۱۵۶	مبحث دوم: جایگاه اخلاق
۱۶۰	مبحث سوم: مقایسه جایگاه‌های فقه و اخلاق
۱۶۰	گفتار اول: شباهت‌ها
۱۶۱	گفتار دوم: تفاوت‌ها

فصل هفتم: تعاملات فقه و اخلاق

۱۶۳	مبحث اول: تأثیرات فقه بر اخلاق
۱۶۳	۱. تأمین مقدمات استدلالات اخلاقی
۱۶۴	۲. ارتقای کیفی دسته‌بندی‌های علمی در حوزه اخلاق
۱۶۶	۳. تبلیغ تفکر اخلاقی در قالب بیان احکام فقهی
۱۶۶	۴. ترویج نحوه تفقه فقهی در حوزه تفقه اخلاقی

۱۶۷	۵. کمک به استخراج اصول استنباط اخلاقی
۱۶۸	۶. کمک به استخراج شیوه مطلوب تفقه اخلاقی
۱۶۹	۷. تعیین چارچوب‌های شرعی تهذیب نفس
۱۷۰	۸. تقویت روحیه اخلاق محوری و تثبیت حیات اخلاقی در ذیل ایمان توحیدی
۱۷۲	مبحث دوم: تأثیرات اخلاق بر فقه
۱۷۲	۱. راهنمایی به فقه و شریعت
۱۷۳	۲. تأمین (مستقیم یا غیر مستقیم) بخشی از اصول و قواعد فقهی و اصولی
۱۷۴	۳. تأمین مقدمات استدلالات فقهی
۱۷۵	۴. تعریف مهم فقهی از متون دینی
۱۷۵	۵. تدقیق دستگیری ابواب فقهی
۱۷۶	۶. قاعده‌سازی و تکثیر قواعد فقهی
۱۷۶	۷. تدقیق موضوع‌شناسی فقهی
۱۷۷	۸. تعمیق بینش دینی مکلف نسبت به آموزه‌های فقهی
۱۸۳	خاتمه
۱۸۹	فهرست منابع

نمایه

۲۰۳	آیات
۲۰۴	اعلام
۲۰۶	کتاب‌ها

سخنی با خواننده

معارف اسلامی - در یک تقسیم معروف - به عقاید، اخلاق و فقه تقسیم می‌گردد. در حوزه‌های علمیة شیعه به علم فقه که آن را مادر علوم استنباطی پنداشته‌اند، اقبال فراوانی شده است. چندی است علم عقاید و کلام نیز حوزه‌های مباحثاتی و پژوهشی گرمی داشته است. اما به رغم اهمیت فراوان، دانش اخلاق با اقبال شایسته‌ای از سوی اندیشمندان حوزوی مواجه نشده و بیشتر در معرض برخورد های ذوقی بوده و در حاشیه‌ها قرار داشته است. همین موضوع موجب شده در میان سطح در خور توجهی از حوزو ن واژ «اخلاق» به یک دانش رسمی با ساختار منسجم انصراف نیابد و حداکثر مشتمل بر مجموعه‌ای از اندرزها، دستورالعمل‌ها و توصیه‌ها باشد. درس اخلاق در حوزه، پس از آنکه به جوانب علمی و پایه‌های نظری اخلاق ناظر باشد، در صدد تأمین بهره‌های عملی و تربیتی است و به معنای دقیق کلمه «منبر موعظه و ذکر» به شمار می‌رود که البته کارکردهای ضروری و ویژه خود را دارد؛ به دیگر سخن کرسی تدریس این علم در حوزه دایر نیست.

علم اخلاق پس از ظهور اندیشمندان بزرگی در مکاتب چهارگانه اخلاق اسلامی، از قرن هفتم تاکنون، تحول انقلابی و شالوده‌شکنی به خود ندیده و برخلاف بسیاری از علوم اسلامی نظریه‌پردازی و قاعده‌سازی در آن، قرن‌هاست در حال رکود به سر می‌برد؛ از این رو و نیز به جهت فقدان تأملات روش‌شناختی و

نگاه‌های آسیب‌شناسانه و مسئله‌یاب، پژوهش‌های اخلاقی ماهیتی تکراری و عموماً کم‌مایه یافته‌اند و کارآمدی و جذّابیتی ندارند.

مرکز اخلاق و تربیت که از بدو پیدایش در صدد بازسازی فنی دانش اخلاق برآمد، به ربط و نسبت این دانش با منابع تفکر اسلامی به‌خوبی توجه کرد و در مقام پرهیز از هرج و مرج روش‌شناختی، استحسانات ذوقی یا تفسیر به رأی در فهم معارف اسلام و نیز ایمنی از تأثیرات نابجای اندیشه‌های غیر دینی، التقاطی و اخباری مسلک تلاش روشمندی را در استنباط حکم اخلاقی از منابع دینی (قرآن و روایات) آغاز کرد و تدوین روش‌شناسی جامع مطالعات اخلاق اسلامی (روش استنباط و توجیه‌گزاره اخلاقی) را با عنوان کلان‌پروژه «الهیات اخلاق» در دستور کار خود قرار داد. در کلان‌پروژه مزبور به این موضوعات پرداخته می‌شود:

۱. استنباط توصیه اخلاقی از منابع مرسوم و چالش‌های پیش رو؛
 ۲. فهم متون دینی (قرآن و روایات) از موضوعات اخلاقی و مشکلات فرارو؛
 ۳. جایگاه عقل در استخراج آموزه‌های اخلاقی اسلام؛
 ۴. جایگاه تجربه، شهود و عرف در فهم آموزه‌های اخلاقی اسلام.
- این تلاش با این هدف آغاز شد که محصول نهایی علم اخلاق به صورت روشمند به اسلام منتسب باشد و برجسب اخلاق یونانی، هندی، مسیحی، نوافلاطونی، علمی، تجربی، اخباری یا سطحی‌نگر و التقاطی نداشته باشد.

بی‌تردید سابقه تلاش‌های علمی حوزه‌های علمیه در عرصه فقه برای پژوهشگرانی که به مباحث روشی توجه می‌کنند، بسیار مغتنم است؛ زیرا هموارترین بستر استنباط از منابع دین در دانش فقه پدید آمده و به برکت قرن‌ها تلاش عالمان بزرگ، دقت‌نظرهای بسیار عمیقی در آن شده است. این سرمایه عظیم علمی در بسیاری از عرصه‌های معرفتی دیگر قابل استحصال یا دست‌کم

قابل الگوبرداری است. از این جهت مرکز اخلاق و تربیت در صدد برآمد از این ذخیرهٔ سرشار استفاده کند و مشابه دستاوردهای آن را در دانش اخلاق پدید آورد؛ بدین ترتیب طرح‌های زیر را نیز به این کلان‌پروژه افزود:

۱. اخلاق اسلامی و کاربرست قاعده تسامح در ادله سنن؛

۲. ظرفیت‌شناسی قواعد فقهی در اخلاق؛

۳. ظرفیت‌شناسی اصول فقه در حل تعارض اخلاقی.

ورود به این عرصه و آغاز چنین پروژه‌ای مستلزم حل چالش‌سنگین تمایز فقه و اخلاق و تفکیک حوزه‌مأموریت آنهاست؛ زیرا پژوهشگران اخلاق اسلامی امروزه در مسألهٔ قطب‌بندی دو نظریه کاملاً متضاد قرار دارند. قطب اول کسانی هستند که فقه را به نفع اخلاق حذف می‌کنند و اکنون جبههٔ رو به گسترشی دارند؛ قطب دوم کسانی هستند که از نظر آنان اصالت و صلاح تفکر اسلامی این است که اخلاق در فقه پیشرفتهٔ اسلامی منحصراً مذبذب شود و اخلاق کاربردی را عمدتاً از آن جوامعی می‌دانند که از فقه محروم‌اند.

این رویکرد که در حوزه‌های علمیه بیشتر ملاحظه می‌شود، اخلاق نقلی و متخذ از متون را به فقه تقلیل می‌دهد و مدعی است متون دینی از طریق بیانات فقهی تکلیف عملی ما را مشخص کرده و سعادت ما را تأمین و تضمین نموده است. به این ترتیب بهایی که برای پژوهش‌های فقهی در نظر گرفته شده، بسیار بیش از بهایی است که به پژوهش‌های اخلاقی داده می‌شود و ادعا شده تمام آنچه دانش اخلاق در صدد آن است، فقه یا پیش‌تر به آن رسیده یا ظرفیت رسیدن به آن را

۱. البته این گزارش نادرستی از اوضاع معرفتی غرب است؛ زیرا در حوزه تفکر مسیحی سه مقوله دانش وجود دارد: فقه مسیحی (Christian jurisprudence)، حقوق (law) و اخلاق کاربردی (applied ethics). هم‌اکنون در کتابخانه‌ها یا کتاب‌های چند جلدی متنوعی در فقه مسیحی مواجه می‌شویم، درحالی‌که متألهان مسیحی در حوزه اخلاق کاربردی نیز دست به تألیفات فراوانی زده و حیثیات متعدد این دو رویکرد را حفظ کرده‌اند.

دارد؛ بنابراین علم فقه تکلیف عملی انسان برای سعادت اخروی را روشن کرده یا از این پس روشن خواهد کرد و نوبتی به دانش اخلاق نمی‌رسد. بر اساس این نگاه اخلاق زمانی لازم است که فقه نباشد، چنان‌که تلاش علمی غرب در سده اخیر در حوزه اخلاق و ترویج آن به عنوان یک علم با همین رویکرد بوده است.

اکنون اگر بتوان ثابت کرد جنس پژوهش‌های فقهی با پژوهش‌های اخلاقی تمایز دارد و برای پژوهش‌های اخلاقی تخصص ویژه‌ای نیاز هست، دانش اخلاق به صورت مستقل رسمیت خواهد یافت و در کنار علم فقه و در تعامل با آن عرض اندام خواهد کرد.

عده‌ای که ما نیز در شمار آنانیم - بر اعتدالی که بر منطق وحی و نیز سیره علمی تاریخ تشکر اسلامی مبتنی است، پای می‌فشارند و به نفع هیچ یک از این دو نظریه گواهی نمی‌دهند. زیرا فقه در حوزه تمدن اسلامی و مدیریت حیات طیبیه مؤمنین، احترام و احتشام و جایگاه دست‌نیافتنی دارد که هیچ یک از علوم دیگر جایگزین آن نمی‌شود، اخلاق نیز کارکردی متفاوت دارد که هرگز نمی‌توان آن را از علمی انتظار داشت که با اهداف، مأموریت‌ها، نقطه عزیمت و ادبیات متفاوت تعریف و تنظیم شده‌اند.

بدین ترتیب ضرورت تعریف دقیق فقه و اخلاق به عنوان دو دانش رفتاری و تمایز قاطع میان این دو علم یا کشف مناسبات آنها در مهندسی علوم و حرکت به سوی تولید دانش‌های اصیل و کارآمد حوزوی کاملاً آشکار می‌گردد. با تبیین حقیقت دو حوزه فقه و اخلاق و مرز میان آنها برخی از موضوعات که در این دو علم از آنها گفتگو می‌شود و در فقهی یا اخلاقی بودن آنها تردید می‌رود، تمایز و تفصیل داده می‌شوند.

علم اخلاق به بیان احکام ارزشی ملکات و افعال اختیاری انسان می‌پردازد و طریق دستیابی به این ارزش‌ها را بیان می‌کند؛ بنابراین مشتمل بر سه حوزه اخلاق

منش، اخلاق عمل و تربیت اخلاقی است. منطقه اشتراک فقه و اخلاق حوزه اخلاق عمل یا اخلاق کاربردی است؛ فقه کنونی درباره اوصاف و ملکات انسان یا راهبری تربیتی او سخن ویژه‌ای ندارد و به احکام افعال مکلفین اکتفا کرده است. اخلاق هم به این موضوع اقبال نشان داده و احکامی را برای رفتار انسان بیان می‌کند؛ اختلاف سخن فقه و اخلاق در این حوزه مشترک پرسش از تمایز فقه و اخلاق را پدید می‌آورد.

همان‌گونه که در متن گفتگوهای این اثر ملاحظه می‌شود، برای ارتباط علم فقه و اخلاق مجموعاً چهار نظریه را می‌توان فرض کرد: ۱. تنافر و ناسازگاری؛ ۲. استقلال و تمایز؛ ۳. اتحاد و یگانگی؛ ۴. پیوند و وابستگی...

اگر فرض اول پذیرفته شود، باید میان فقه و اخلاق به صورت کلی یا جزئی یکی را انتخاب کنیم و نسبت از یکی به نفع دیگری برداریم؛ دستگاه آموزش، پژوهش و ترویج یکی از این دو باید به نفع دیگری خاموش گردد و در مدیریت تربیتی و معنوی جامعه و راهبری تمدن اسلامی باید از آن دیگری کمک گرفت... اگر قائل به استقلال و تمایز این دو باشیم؛ یعنی معتقدیم هر کدام از این دو دانش بخشی از نیازهای جامعه اسلامی را تأمین می‌کند؛ ناچار به موضوعی یا حکمی یا هدفی یا در قلمروی یا به روش خاصی نقش ایفا می‌کند. این ترتیب هر دو حوزه را باید پاس داشت و از هر یک انتظاری مطابق تعریفش داشت و هر یک را به حوزه خاص خود اختصاص داد. در این صورت اگر دستگاه یکی از این دو فعال باشد به اندازه خود بهره لازم را می‌رساند.

اگر قائل به وابستگی و پیوند آنها باشیم، علی‌القاعده باید از هر دو در تربیت نسل آینده و مدیریت اخلاقی معنوی جامعه بهره‌گیریم و تمدن اسلامی را راهبری کنیم، اما با این تفاوت که باید نسبت مطلوبی میان آنها برقرار سازیم و برای غنی‌سازی و توسعه هر کدام از دیگری نیز کمک بگیریم؛ در این صورت اگر یکی

فعال نباشد، دیگری نیز کارآمد نخواهد بود.

اگر قائل به اتحاد و یگانگی این دو دانش باشیم و یکی را ذیل دیگری مندرج دانیم، طبعاً بهره‌متصور از دانش اخص از دانش اعم انتظار می‌رود و در مقام پژوهش، یک تلاش برای رسیدن به هر دو هدف ابتدایی کافی است. مرکز اخلاق و تربیت با نظر به این فضای پرابهام، دو اثر را در دستور کار خود قرار داد: اول دست استمداد به سوی اندیشمندان عرصه فقه و اخلاق گشود و مجموعه گفتگوهایی را ترتیب داد تا دقت نظر دانشوران این عرصه را در این نگاه درجه دو اصطیاد کند و با ایجاد میدان تضارب آرا مسیر رسیدن به صواب را هموار سازد. دوم همین اثر که شاخصه‌های علم‌شناختی دو دانش فقه و اخلاق را مقایسه و بررسی کرده است.

لازم است از همه بندگان شکر کنیم که در پدید آمدن این اثر نقش ایفا کردند خصوصاً حاج اسلام احمد دالیمی، مسعود آذربایجانی، محمد فتحعلی‌خانی، محمد عالم‌زاده نوری، حسین دیبا و رضا اسلامی. تشکر نماییم که با نظارت و نظرات خود به غنای آن افزودند. امید است این اثر در غنی‌سازی تراث دینی و شکوفایی تمدن اسلامی نقش مؤثری ایفا نماید.

مهدی علی‌زاده

مدیر مرکز اخلاق و تربیت